

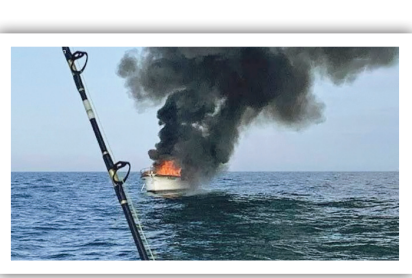


پسر ۱۳ ماهه فرشته نجات ۲ بیمار شد

اعضای بدن پسر ۱۳ ماهه که دچار مرگ مغزی شده بود با رضایت پدرومادرش به ۲ بیمار نیازمند اهدا شد. این کودک ۱۳ ماهه که محمد ابراهیم زاده نام داشت و اهل مینودشت بود، پس از خوردن شیرخشک دچار مشکل از ناحیه ریه و سپس مرگ مغزی شد. در ادامه با رضایت پدر ومادرش کبد و کلیه او به ۲ بیمار نیازمند اهدا شد.

آن سوی مرز

آتش زدن کشتی بعد از قتل ناخدا



ملوان هندی که در اقدامی جنون آمیز ناخدا را به قتل رسانده و کشتی را به آتش کشیده بود دستگیر شد.

به گزارش همشهری، به نقل از رسانه‌های هند، روز سه‌شنبه پلیس ساحلی بمبئی در جریان حادثه‌ای هولناک و عجیب قرار گرفت. در جریان این حادثه مردی ۲۷ساله به نام جیپراکاش از خدمه کشتی ماهیگیری، با ناخدا ۵۵ساله کشتی ماهیگیری درگیر شد. مشاجره آنها بالا گرفت و ملوان جوان با جاقوی مخصوص برش ماهی سر کاپیتان را از تنش جدا کرد.ملوان خشمگین در ادامه به سوی انبار سوخت رفت و آنجا را به آتش کشید.بعد از آن سر قربانی را با خود به کابین ناخدا برد و در گوشه‌ای به تماشای سوختن قایق نشست.

وقتی انبار سوخت آتش گرفت، آتش به سرعت منتشر شد، به سیلندرهای گاز رسید و باعث منفجر شدن آنها شد.طبق اعلام پلیس، قایق ویژه برای اطفای حریق و نیروهای امداد و قایق‌های ماهیگیری که در آن نزدیکی بودند با دیدن آتش بلافاصله خود را به قایق رساندند. نیروهای امداد به سرعت برای خاموش کردن آتش مهیب جهنمی اقدام کردند.

این درگیری مرگبار در حالی اتفاق افتاد که در این قایق ماهیگیری ۲۲دریانورد و ۴کاپیتان حضور داشتند.براساس این گزارش، پلیس بلافاصله قاتل را دستگیر کرد و دیگر دریانوردان نجات یافتند.جسد ناخدا نیز به پزشکی قانونی منتقل شد.عامل جنایت ۲ روز در بازداشت بود و اتهام قتل، شرارت،آتش افروزی و... به وی تفهیم شد.اما وی هنوز درباره انگیزه این جنایت حرفی نزده است.

جنایی

اخاذی از قربانیان تجاوز با فیلم سیاه



رئیس پلیس آگاهی خوزستان گفت: اعضای باند ۴فره آدهربایی، تجاوز به عنف، اغفال و اخاذی از زنان در اهواز دستگیر شدند.به گزارش همشهری، سرهنگ سیروس گزشتنه، دختری جوان به ششبه سوم دادسرای ویژه سرقت تهران رفت و گفت در دام خواستگار قلابی‌اش گرفتار شده‌است. وی گفت:مدتی قبل در اینستاگرام با پسری آشنا شدم که خودش را شروین و طللاز معرف می کرد.او مدعی شد که صاحب یک کارگاه بزرگ طلاسازی است وپس از چند جلسه ملاقات از من خواستگاری کرد.او همیشه باخودروهای مدل بالا سر قرار حاضر می شد تا اینکه آخرین بار قرار شد طلاهایم را به او بدهم تا آنها را تبدیل به شمش طلا کند. وی ادامه داد: من هم حدود یکمیلیارد تومان طلاهایم را برداشتم و سر قرار با شروین حاضر شدم. قرار شد با یکدیگر به کارگاه طلاسازی او برویم که در بین راه پیاده شد و از یک کافه برای هر دویمان قهوه خرید. پس از نوشیدن قهوه، از هوش رفتم و چشمانم را که باز کردم در بیمارستان بودم. شروین پس از بیهوش شدن من طلاهایم را به سرقت برده وبعدهم رانیمه‌جان بین شمشادهای پارک رها کرده بود که یک رفنگر با دیدن وضعیت من به اورژانس زنگ زد.هو حدود ۲هفته در کما بودم وبعده زندگی بر گشتم.آنجا بود که فهمیدم جوان تبهکار، نقش خواستگار را بازی کرده تا مرا

تنظاری

پلیس در تعقیب سارقان مسلح بانک

پلیس در تعقیب ۲سارق مسلح است که به بانک ملی زاهدان دستبرد زده و گریخته‌اند. به گزارش همشهری، این سرقت مسلحانه پیش از ظهر چهارشنبه در بانک ملی شعبه آزادی زاهدان اتفاق افتاد. سرهنگ شاهپور فلاچی، فرمانده انتظامی زاهدان درباره این حادثه گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر سرقت مسلحانه از بانک ملی، بلافاصله مأموران پلیس در صحنه حاضر شدند و تحقیقات در این باره آغاز شد.او ادامه داد: در بررسی‌های اولیه مشخص شد که ۲سارق مسلح با ورود به بانک به تهدید کارمندان پرداخته و بعد از سرقت ۱۵میلیون تومان سنسوار بر یک دستگاه موتورسیکلت گریخته‌اند. وی در ادامه گفت: هنگام فرار سارقان، نگهبان بانک، به‌سوی آنها تیراندازی کرد که در این حادثه ۲نفر از شهروندان نیز مجروح و به مراکز درمانی منتقل شدند.به گفته فرمانده انتظامی زاهدان تحقیقات گسترده‌ای برای دستگیری عاملان این سرقت مسلحانه آغاز شده است.



حادثه مرگبار در معدن خواف

یک کارگر معدن سنگ آهن سنگان خواف در حادثه‌ای هولناک جانش را از دست داد. این حادثه پیش ازظهر دیروز در معدن سنگ آهن «کوه سنبل» سنگان خواف رخ داد و این کارگر هنگام بازدید از چرخ‌های عقب یک دستگاه کامیون ده‌تنی که قصد بازگیری داشت، بین چرخ و کمربست گیر افتاد و جانش را از دست داد.

راننده تاکسی‌ای که سرویس طلای جامانده یک مسافر را به دستش رسانده از جزئیات این ماجرا می گوید

امانتدار اموال مردم هستیم

گزارش

فاتانه احدی

روزنامه‌نگار

راننده تاکسی یا کدست خط شهری ناوگان حمل‌ونقل بار و مسافر شهرداری سبزوار وقتی فهمید یک سرویس طلا به ارزش ۸۰میلیون تومان در تاکسی‌اش جا مانده است، تصمیم گرفت هر طوری شده صاحبش را پیدا کند. او برای این کار چندبار خیابان‌های اطراف را جست‌وجو کرد و در نهایت توانست صاحب طلاها را پیدا کند و سرویس طلا را به او برگرداند. گفت و گوی همشهری با این راننده یا کدست را در ادامه بخوانید.

خودتان را معرفی کنید.

اصغر عارف‌خانی، ۴۷ساله هستم. حدود ۱۰سال است که در سازمان حمل‌ونقل بار و مسافر شهرداری سبزوار به عنوان راننده تاکسی فعالیت می‌کنم. بیش از آن هم شغل آزاد داشتم.

درباره جاماندن سرویس طلای مسافر در خودروی تان صحبت کنید.

روز شنبه ۱۵آبان با تاکسی پرایدم کار روزانه‌ام را آغاز کرده بودم تا بتوانم در پایان روز، لقمه نان حلالی سر سفره ببرم و خرج زندگی‌ام را بدهم. طبق معمول هر روز در حال جابه‌جایی مسافر در خط میدان لاله – بیهقی بودم. چند ساعتی از کارم گذشته بود که بعد از پیاده شدن ۲خانم، ناگهان متوجه شدم یک پسر قه‌ر رنگ در تاکسی‌ام جا مانده است. آن را برداشتم تا ببینم داخل بسته چیست، وقتی متوجه

شدم که سرویس طلاست داخل بسته به‌دنبال شماره تلفن صاحب گشتم اما چیزی پیدا نکردم.

در آن لحظه شما چه اقدامی انجام دادید؟

تلاش کردم صاحب طلاها را پیدا کنم. ابتدا آن اطراف را جست‌وجو کردم اما فردی را ندیدم که دنبال چیزی بگردد، یا به‌سوی تاکسی من بیاید. با این حال با تاکسی اطراف را چند مرتبه جست‌وجو کردم. چند باری در همان اطراف دور زدم شاید نشانی از صاحب طلا بیایم. اما کسی را پیدا نکردم.

در آن زمان چه حسی داشتید؟

این اتفاق عجیب بیشتر شبیه آزمون بود. نخستین تصویری که به ذهنم رسید، چهره نگران صاحب طلا بود. اینکه اکنون در چه حالی است. خوب می‌دانستم که در این شرایط اقتصادی گم شدن این مقدار طلا

گریم عجیب خواستگار قلابی برای فریب دختران دم‌بخت

فریب بدهد و طلاهایم را به سرقت ببرد.

سرقت‌های سریالی

با این شکایت، جست‌وجو برای یافتن خواستگار فریبکار شروع شد و طرف‌مدتی کوتاه چند شکایت مشابه دیگر پیش روی تیم تحقیق قرار گرفت که نشان می‌داد طلاساز قلابی به‌صورت سریالی طعمه‌هایش را به‌دام می‌اندازد. این خواستگار قلابی دختران دم‌بخت را به بهانه از دواج فریب می‌داد و پس از سرقت طلاهایشان که از ۵۰۰میلیون تا یکمیلیارد تومان ارزش داشت، آنها را نیمه‌جان در میان زباله‌ها یا لابه‌لای شمشادهای پارک‌ها رها می کرد. اغلب دختران از ۲هفته تا یک‌ماه در کما بودند؛ اما همه آنها به هوش آمده و به زندگی برگشته‌بودند.

حواس پرتی

در نخستین گام چهره‌نگاری توسط شاکیان صورت گرفت و مشخص شد که وی شباهت زیادی به یک مجرم سابقه‌دار به نام شروین دارد. شروین یک تبهکار حرفه‌ای بوده و یک‌ماه قبل به اتهام سرقت دستگیر شده‌بود و در زندان به سر می‌برد. او سر کرده یک باند بزرگ سرقت بود که می‌گفت نقشی در کلاهبرداری ندارد. او می‌گفت احتمالاً متهم خودش را به شکل او در آورده تا نام و چهره او نقشه کلاهبرداری‌ها و سرقت‌هایش را پیش ببرد. درحالی‌که تحقیقات برای شناسایی خواستگار فریبکار ادامه داشت، وی چند روز قبل دختری را نیمه‌جان در غرب تهران رها کرد؛ اما چند ساعت

بعد متوجه شد که هنگام سرقت، حواسش پرت شده و بخشی از طلاهای دختر کنار شمشادها ریخته‌است. این درحالی بود که دختر پس از ۱۲ ساعت به هوش آمده‌و از مردم

خاسته بود تا به پلیس و اورژانس زنگ بزند. وقتی متهم به محل راه‌کردن دختر جوان برگشت تا طلاهایش را برادران، پلیس وی را دید و دستگیر شد.



مکت

نام اصلی متهم دستگیر شده کاوه بود. او که پیش از این آمر تبه دستگیر و زندانی شده بود، در بازجویی‌ها اعتراف کرد که با جرم‌ای زیبایی و گریم، خودش را شبیه شروین، تبهکار حرفه‌ای کرده تا پلیس نتواند وی را شناسایی و دستگیر کند. کاوه، خواستگار فریبکار گفت: یک‌بار به جرم سرقت و بار دیگر به جرم کلاهبرداری از دختران دستگیر و زندانی شدم. قبلا خودم را تاجر فرش معرفی می‌کردم و از دختران دم‌بخت به بهانه سرما به‌گذار می‌در زمینه رز دیجیتال یا دلار، کلاهبرداری می‌کردم. این بار اما تصمیم گرفتم با هویت یک تبهکار حرفه‌ای نقشه‌ام را پیش ببرم. وی ادامه داد: شروین یک مجرم حرفه‌ای بود که من پس از آزادی، خودم را به شکل او در آوردم؛ ابتدا بی‌نامی را جراحی زیبایی کردم و بعد کلاهکس گذاشتم تا شبیه شروین شوم. سپس به فریب دختران دم‌بخت پرداختم و خودم را طلاساز جا زدم. حتی با مدارک جعلی ماشین‌های بنز، پورشه و بی‌ام‌دبلیو اجازه می‌کردم و با آنها سر قرار می‌رفتم تا اعتماد طعمه‌هایم را جلب کنم؛ اما حواس پرتی‌ام در آخرین سرقت کار دستم داد.

این متهم با قرار قانونی بازداشت شد و برای تحقیقات تکمیلی در اختیار مأموران اداره آگاهی تهران قرار گرفت.

آزادی ۸۸ زندانی در پویش ملی نذر امام رضاء



قدس رضوی آزاد شده‌اند. استاد آقا‌فرو: امروز نیز شاهد آزادی ۸۸نفر از مددجویان زندان‌های استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبی بودیم که به لطف و کرم امام هشتم(ع) به کانون گرم

پنجشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۳ – شماره ۹۲۴۳



صفحه ۱ | مهرداد هشتمین

داسرا

روبه‌شدن داماد چند ساعت قبل از

مراسم خواستگاری

پسری جوان روزی که قرار بود به خواستگاری دختر موردعلاقه‌اش برود، به دستور رقیب عشقی‌اش، روبه‌شد و یک هفته‌ای را در یک خانه زندانی بود.به گزارش همشهری، چندی قبل گزارش ناپدید شدن پسری جوان به پلیس اعلام شد. پدر او گفت: پسرم صابر، چند ساعت قبل از مراسم خواستگاری و بله‌برون، به‌طرز مرموزی ناپدید‌شود وی ادامه داد: او ظهر به خیابان یوسف‌آباد رفت تا گل و شیرینی سفارش بدهد. حتی در مغازه گل‌فروشی با خواهرش تماس گرفت و گفت گل را سفارش داده و می‌خواهد به خانه برگردد. اما هرچه منتظرش ماندیم، برنگشت. هر بار هم که با موبایلش تماس می‌گیریم خاموش است و احتمال می‌دهیم بلایی سرش آمده باشد.به‌دنبال اظهارات این مرد، پرورنده‌ای درباره ناپدیدشدن پسر جوان تشکیل شد. مأموران راهی گل‌فروشی شدند و دوربین‌های آن محدوده را مورد بازبینی قرار دادند. بررسی می‌کنیم نشان می‌داد که پسر جوان از گل‌فروشی خارج شده بود اما پیش از اینکه مواد ماشینش شود، یک مرد درحالی‌که در شمالی آغشته به موبابیهوشی همراهش بوده از پشت سر به او حمله می‌کند و دستمال را روی دهان و بینی پسر جوان قرار می‌دهد و بعد از آنکه بیهوش می‌شود، او را روی زمین می‌کشد و سوار بر ماشین خود که در آن نزدیکی پارک بوده، می‌کند.

سفارش آدهربایی

اگر چه مرد آدهربا ماسک به‌صورت داشت اما مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی موفق شدند متهم را که مجرمی سابقه‌دار بود شناسایی کنند.در ادامه مأموران باتوق‌های احتمالی مجرم سابقه‌دار را زیر نظر قرار دادند تا اینکه جوان گروگان گرفته‌شده یک هفته بعد آزاد شد. او گفت که در تمام این یک هفته، چشم‌انمش بسته بوده و جایی را نمی‌دیده و فقط به او غذا می‌دادند و حتی یک ریال هم از او پول نخواستند.اند تا اینکه بعد از یک هفته با دست‌ها، پاها و چشمان بسته در نزدیکی بهشت‌زهرارهایش می‌کنند. از سوی دیگر کارآگاهان که باتوق‌های مجرم سابقه‌دار را زیر نظر داشتند، سرانجام وی را شناسایی و دستگیرش کردند. او در بازجویی‌ها گفت: مردی به نام هاشم، از من خواست تا این آدهربایی را انجام بدهم. هاشم چند روز قبل سریع من آمد و از من خواست تا فردی را ر بوده و به خانه‌ای در جنوب پایتخت انتقالش بدهم. او تصویر فرد مورد نظر را نشانم داد و گفت فلان روز قرار است به یک گل‌فروشی بروم. من هم رفتم و کاری که او از من خواسته بود را انجام دادم. هاشم برای انجام این کار به من وعده دستمزد ۵۰۰میلیون تومانی داد. هر چند ۱۰۰ میلیون بیشتر به من نداد و زیر قولش زد.

ردبای رقیب عشقی

هاشم فردی که گروه‌گفتگر اجیر کرده بود از شر کای شاکمی بود. وی دستگیر شد و در بازجویی‌ها به طراحی نقشه آدهربایی اعتراف کرد. او گفت: من و صابر (گروگان) با هم شریک بودیم. یک شرکت بازرگانی داشتیم و کار تجارت انجام می‌دادیم اما چند وقت قبل، صابر سهم مرا برداخت و من را از شرکت بیرون کرد. بعد از مدتی دلپیش را فهمیدم؛ او می‌خواست با دختری که من عاشقش بودم ازدواج کند. پرستو دختری که من عاشقش بودم، چندی قبل به بهانه اینکه دیگر مرا نمی‌خواهد به رابطه‌مان پایان داد. قرار بود باهم ازدواج کنیم اما من شکست خوردم و بعد متوجه شد صابر شش‌ریکم زیر پای او نشست و قرار است به‌زودی به خواستگاری‌اش برود با هم ازدواج کنند. وقتی بی به این راز بردم، تصمیم گرفتم هر طور شده از صابر انتقام بگیرم و اجاز ندهم این وصلت سر بگیرد. متهم گفت: برای اجرای سناریوی انتقام‌جویی، آدهربا اجیر کردم و با مدارک جعلی خانه‌ای در جنوب تهران اجازه کردم. درست همان روزی که قرار بود آقای داماد، به خواستگاری برود و بله را از عروس خانم بگیرد، وی به خواسته من، روبه‌شد و همین موجب شد تا مراسم خواستگاری و بله‌برون، به‌هم بخورد و خانواده عروس با این ازدواج مخالفت کنند. طرح نقشه گروگانگیری و آدهربی‌ای اجارای، به دستور قاضی عظیم سهرابی، باز پرس داسرای جنایی تهران بازداشت شدند و برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار مأموران اداره آگاهی تهران قرار گرفتند.

داخلی

سقوط بالگرد آموزشی در زرین‌دشت

یک فروند بالگرد امدادی و آموزشی در حوالی شهرستان زرین‌دشت استان فارس دچار حادثه شد. به گزارش همشهری، ایمن حادثه در حوالی شهرستان زرین‌دشت و به‌دلیل فرود نامناسب و برخورد بالگرد به زمین اتفاق افتاد. در این حادثه، سه سرنشینان بالگرد مجروح و به مراکز درمانی استان فارس منتقل شدند.

روابط‌عمومی سپاه فجر استان فارس اعلام کرد: «یک فروند بالگرد مربوط به واحد پرواز سپاه که مأموریت آموزشی یکی از یگان‌های نیروی زمینی سپاه را بر عهده داشت، در حوالی شهرستان زرین‌دشت در زمان فرود دچار سانحه شد و یکی از سرنشینان آن آسیب دید و به بیمارستان منتقل شد.»